

فلسفه دانشگاه

تأملاتی درباره دانشگاه در جهان و ایران

به کوشش رضا ماحوزی

با مقدمه منوچهر آشتیانی



پژشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
دانشگاه تهران



فلسفه دانشگاه؛ تأملاتی درباره دانشگاه در جهان و ایران

به کوشش رضا ماحوزی (عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی)

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

ویراستار: معصومه احمدی ملک کیان

طرح جلد: موسی مرتضوی فر

چاپ اول: بهار ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۲۳۶-۰۱۲-۵

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: info@iscs.ac.ir

کلیه آثار منتشره این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: ماحوزی، رضا، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه دانشگاه: تأملاتی درباره دانشگاه در جهان و ایران / به کوشش رضا ماحوزی؛

با مقدمه منوچهر آشتیانی؛ ویراستار معصومه احمدی ملک کیان.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۷۴۶ص: مصور (رنگی) جدول (رنگی): (۱۴/۵×۲۱/۵) س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۲۳۶-۰۱۲-۵

موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- فلسفه

موضوع: Universities and colleges-- Philosophy

موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- تاریخ

موضوع: Universities and colleges-- History

شناسه افزوده: آشتیانی، منوچهر، ۱۳۱۱ - . مقدمه نویس

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸: ۸۸ ۲/۲ LB۲۳۲۲

رده بندی دیویی: ۰۰۱/۳۷۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۱۱۰۹۳

فهرست

۷	دیباچه پژوهشکده
۹	درآمدی بر مجموعه فلسفه دانشگاه / منوچهر آشتیانی
۱۳	درباره فلسفه دانشگاه / مقدمه ویراستار مجموعه
	فصل نخست: ایده فلسفی دانشگاه در ادبیات جهانی
۳۷	کانت و خدمت فلسفه به آینده دانشگاه / رضا ماحوزی
۵۷	هومبولت و ایده تأسیس دانشگاه / میثم سفیدخوش
۸۵	بیلدونگ از نظر هگل؛ مقدمه‌ای برای طرح ایده دانشگاه هگلی / محمدمهدی اردبیلی
	فلسفه و دانشگاه به مثابه سازمان؛ الگویی برای جمع دو رویکرد در قبال کار دانشگاهی
۱۰۹	بر اساس اندیشه یاسپرس / مهدی پارسا خاتقاه
۱۲۳	ایده پراگماتیسم در دانشگاه / خسرو باقری
۱۵۵	هوسرل و بحران علم و فرهنگ اروپایی؛ طرح‌واره‌ای برای ایده دانشگاه / لیلا سیاوشی
۱۷۹	هیدگر و ایده دانشگاه در افق تاریخی ما / بیژن عبدالکریمی
۲۳۹	ماکس وبر، سیاست و دانشگاه مدرن / حسینی نوذری
۳۲۴	هابرماس و فلسفه دانشگاه / ناصرالدین علی تقویان
	دانشگاه: دیروز، امروز و فردا؛ بازخوانی پدیدارشناسانه ساخت‌گشایی دانش در اندیشه دریدا /
۳۶۹	حسین مصباحیان
	فصل دوم: تأملاتی درباره دانشگاه ایرانی
۳۹۱	فلسفه و فرهنگ توسعه؛ از تأملات کانت تا دانشگاه‌های ایران / رضا ماحوزی

جایگاه دانشگاه در جامعه ایرانی در قرن بیست و یکم؛ تأملی نقادانه درباره کارکردهای تازه یک تکنولوژی نه چندان جدید/ علی پایا	۴۰۷
ایده دانشگاه‌های ایرانی / غلامرضا ذاکر صالحی	۴۹۳
تولد دانشگاه ایرانی / رضا نجف‌زاده	۵۳۳
تفکر و فلسفه، درد و درمان دانشگاه/ کریم مجتهدی	۵۷۵
مبانی نظری همبستگی فراگیر در جهت تحول در ساختار دانشگاه اسلامی/ مهدی دهباشی ...	۶۰۹
درباره فلسفه برنامه درسی آموزش عالی / سیدعلی خالقی‌نژاد	۶۴۱
الگوی سنت پژوهشی و تأثیرش در شکل‌بخشی به دانشگاه بومی با تأکید بر نقش دین و فرهنگ/ زهره عبدخدایی	۶۷۷
گویتینگن یا برلین/ مرتضی مردیها	۷۲۱
نمایه	۷۴۱

درآمدی بر مجموعه فلسفه دانشگاه

بحث انتقادی‌ای که در ادامه می‌آید به هیچ وجه از اعتبار و ارزش مجموعه‌ای که توسط عده‌ای از همکاران دانشمند دانشگاهی تحت نظر آقای دکتر ماحوزی گرد آمده است نمی‌کاهد.

حداقل در این مجموعه، به این پرسش (هیدگر و گادامر) از هگل پاسخ داده می‌شود که فیلسوف معظم ما در بحث‌هایش راجع به «عقل» و «دیالکتیک» تا چه حد توانسته است مرزهای آگاهی مردمان دوران تاریخی خود را متحول کند؟ حال با ارجاع این پرسش به کتاب *فلسفه دانشگاه* می‌توان ادعا کرد که این مجموعه هرگاه توسط دانشگاهیان (اعم از استاد، دانشجو و کارمندان دانشگاه) و نیز توسط افراد غیردانشگاهی مطالعه شود، در سطح آگاهی این افراد نسبت به دانش و دانشگاه تحولی ایجاد خواهد کرد.

کافی است متذکر شویم وقتی آقای دکتر مجتهدی درباره لزوم پرداختن به فلسفه در دانشگاه‌ها سخن می‌گوید این نیست را در نظر دارد که دانشگاه باید محل اندیشیدن متحرک باشد و یا وقتی

آقای دکتر ماحوزی، آرای کانت را به دانشگاه‌ها (در سطوح جهانی و ایرانی) راه می‌دهد، طبعاً ما را متوجه می‌کند که کانت در آثار (به‌خصوص سه اثر) انتقادی‌اش با وجود تمسک به ساختمان‌سازی‌های مفصل و مزاحم، بر آزادی اندیشه تا آنجا تکیه می‌کند که می‌گوید اگر هم فلسفه نتواند ماهیت خرد را بشناسد، نباید از تجسس درباره آن منصرف شود. به قول مولانا در فیه ما فیه، «هرچند که عقل آن چیز (حق) را بر جهد ادراک نکند، ولی عقل جهد خود کی رها کند؟». همه این نمونه‌ها نشان می‌دهند که محققان ما طالب اندیشه‌هایی نباض و فیاض‌اند. این نمونه‌ها شکل بارز طرح موضوعی‌اند که در ادامه می‌آوریم:

صحت بر سر احراج^۱ یا برهان ذوالوجهینی است که در تمام متشکله‌های به‌خصوص معنوی با آن روبه‌روسیم؛ اساس این احراج این است که اگر دانش بخواهد گسترش و ژرفا پیدا کند تا در اقسام و انواع فعالیت‌های اجتماعی (به معنای عام کلمه) انسان‌ها من‌جمله در صنایع و تکنولوژی و اداره امور یک کشور به کار آید، در این صورت باید ساختاربندی، کارکردگرا و نهادین و نمادین شود. اما درست هنگامی که دانش به ساختمان‌سازی (اکستروکسیون) تن می‌دهد، از عمق باطن و نباضیت ذاتش کاسته می‌شود. به زبان عوامانه، آن زندگی، این مرگ موقتی را در پی دارد.

در نگاهی از رصدگاهی بالاتر (به قول مانهایم کنستلاتیو) مشاهده می‌شود که دانش‌ها موج‌زنان از اعماق هستی اجتماع و

تاریخ بشریت به درون سازمان‌های دانشگاهی وارد می‌شوند ولی بخشی از آنها در این ورود، تموجشان را از دست می‌دهند.

وقوع این وضع در قلمرو دانش‌های بیشتر معنوی (مانند فلسفه، ادبیات و هنرها) بارزتر است، زیرا ساختاربندی به صورت ایزکتیواسیون و حتی بیگانگی (الیناسیون) در معنویات واضح‌تر نمایان می‌گردد، حال آنکه این فرایندهای الزامی درباره حیطه علوم اقتصادی، سیاسی و مانند اینها نسبتاً طبیعی به نظر می‌رسد. کفایت است نگاهی به آکادمی افلاطون و لیسه ارسطو بیندازیم و اصالت و رسالتشان را در دانش‌پژوهی با تمام دانشگاه‌های سازمان‌بندی شده - از گندی‌شاپور (ساسانیان) تا دارالعلم (بغداد و خلفا) و تمام دانشگاه‌های اصلی که از قرن شانزدهم در غرب به وجود آمده‌اند - مقایسه کنیم تا متوجه شویم که این نزول چرا و چگونه روی داده است. مضافاً آنکه در دوران تاریخی کنونی (دوران حکومت بورژوازی بر جهان ما) گرایش‌های عمل‌گرایانه، نفع‌طلبانه و مصلحت‌جویانه (پراگماتیستی، اوتیلیتاریستی و لورتونیستی) نفوذ بیشتری در دانشگاه‌ها دارند.

بنابراین، از یک لحاظ ما با «پارادوکس» - و نه آنتی‌نومی - در دانشگاه‌ها روبه‌رویم که طی آن «حرکت و سکون» موازی با هم پیش نمی‌روند و ناهم‌واری بین تغییر^۱ و نظام^۲ در این قلمرو به‌وضوح نمایان است. در حقیقت عدم مراعات دیالکتیک بین حرکت دانش و سکون نسبی سازمانی‌اش باعث شده است که با «گاه» «دانشگاه» اصل و اساس شمرده می‌شود و یا به‌ندرت برعکس، پویایی دانش اعتبار و ارجحیت می‌یابد.

در اینکه چنین وضعی در بعضی از دانشگاه‌ها- مانند میهن ما ایران- نابسامان‌تر است، تردیدی نیست و کتاب «فلسفه دانشگاه» شاید در شمار نخستین گام‌هایی به نظر آید که مایل به مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی است.

منوچهر آشتیانی

دهم مردادماه ۱۳۹۷